هو السّامع من افقه الأعلی

حمد مقدّس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت مقصودی را لایق و سزاست که از قلم اعلی کوثر بقا جاری فرمود و از قطرهٴ آن مقبلین را حیوة ابدی عطا نمود و این قطره در مقام اوّل و رتبهٴ اولی بهیئت نقطه ظاهر و از او علوم اوّلین و آخرین را از عالم غیب بعرصۀ شهود آورد و چون خدمتش مقبول افتاد بحرف باء مؤانس گشت و باو علم انّه لا اله الّا هو مرتفع و رایت نصر و ظفر منصوب اوست مقتدری که اراده‌اش را قدرت کائنات و قوّت ممکنات منع ننماید طوبی از برای نفوسی که از سلسبیل کلمهٴ یفعل ما یشآء نوشیدند و خود را از عالم و عالمیان فارغ و آزاد مشاهده نمودند انّک اذا سمعت صریر قلمی الأعلی و شربت رحیق الوحی من کأس عطآء مولی الوری قل

 سبحانک یا مولی الأسمآء و فاطر السّمآء اشهد بوحدانیّتک و فردانیّتک و بعظمتک و اقتدارک اسألک بسراج امرک الّذی به نوّرت العالم و باسمک الأعظم الّذی به هدیت الأمم ان تجعلنی فی کلّ الأحوال ناطقاً بثنائک و قائماً علی خدمة اولیائک و متمسّکاً بحبلک ای ربّ تری اقبالی الی افقک و توجّهی الی انوار وجهک اسألک ان لا تجعلنی محروماً عمّا کتبته لأصفیائک الّذین ما منعتهم سیوف الأعدآء عن الاقبال الی افقک الأعلی و لا ضوضآء العلمآء عن ذکرک یا مالک العرش و الثّری و ربّ الآخرة و الأولی ای ربّ تری العاصی اراد بحر غفرانک و عفوک اسألک بکرمک الّذی احاط علی العالم ان تغفر جریراتی و خطیئاتی و قدّر لی ما یجعلنی مستقیماً علی امرک بحیث لا یمنعنی ظلم المعتدین و لا شبهات المریبین و لا اشارات الّذین کفروا بیوم الدّین ای ربّ لا تمنعنی عمّا اردت من سمآء فضلک نوّر ارکانی بجودک و رحمتک و قلبی بأنوار نیّر ظهورک انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت الغفور الکریم

 نامه‌ئی که بعبد حاضر ارسال نمودی نزد مظلوم مذکور عرف اقبال و ایمان از آن متضوّع از حقّ میطلبیم از هر یک از احبّای آن ارض ظاهر فرماید آنچه را که سبب هدایت خلق است و همچنین جاری نماید آنچه را که علّت حیوة اهل عالم است لیس هذا علی اللّه بعزیز در سلمان و اباذر تفکّر نما که بعد از قبول بچه مقام فائز گشتند عنایتش تمّار را از اخیار نمود و عدلش ابرار را از اشرار اینست معنی کلمۀ یجعل اسفلکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم در اصحاب عیسی بن مریم تفکّر نما باخذ اعشار و سمک مشغول بودند ولکن از پرتو انوار نیّر برهان بمقامی رسیدند که عالم را صید نمودند چه که از خود و ما عندهم گذشتند و به ما عند اللّه اقبال کردند و تمسّک جستند اراده و مشیّت خود را در مشیّت اللّه محو و فانی نمودند و بخدمت قیام کردند قیامی که سطوت یهود عنود و عبدۀ اصنام ایشان را از مالک ایجاد منع ننمود از حقّ میطلبیم کل را تأیید فرماید و حفظ نماید ولکن بعضی از اهل بیان باسبابی که سبب تفریق و اختلافست مشغول اصل را گذاشته‌اند و در فکر آنند عجلی یافت شود و بآن تمسّک نمایند و سبب فتنۀ اخری گردند باید کل از حقّ جلّ جلاله مسئلت نمایند آنچه را که سبب اعلاء کلمه و علّت استقامت بر آن است قلم اعلی ترا وصیّت مینماید بآنچه سبب ابقا و ارتفاع است و دوستان آن ارض طرّاً را بحکمت امر نموده و مینماید لئلّا یظهر منهم ما تضطرب به الأفئدة و النّفوس لازال اولیای آن ارض تحت لحاظ بوده و هستند انّا ذکرنا الّذی صعد الی اللّه بذکر لا یتغیّر عرفه و لا تنقطع نفحاته انّها تکون باقیة ببقآء الملک و الملکوت یشهد بذلک مالک الجبروت اذ استوی علی العرش بسلطان مبین الّذی سمّی بمحمّد قبل علی فی کتاب الأسمآء علیه بهآء اللّه و بهآء من فی السّموات و الأرضین انّا طهّرناه عمّا لا ینبغی و رفعناه الی مقام عجزت عن ذکره الأقلام

 و نذکر ابنک الّذی سمّی بمحمّد قبل حسن و ذکرناه بما نزل له فی هذا الحین امطار رحمة ربّه الغفور الکریم

 یا رفیع امروز کلمة اللّه از صد اولاد افضل بوده و هست جهد نمائید برضای دوست فائز شوید و ظاهر شود از شما آنچه که ذکرش در کتاب الهی مخلّد گردد اینست اولاد حقیقی و قرّۀ عین حقیقی و ذرّیّۀ حقیقی کذلک نطق المظلوم اذ احاطت به الأحزان بما اکتسبت ایدی الظّالمین یا اهل البهآء لا تحزنوا من شیء الّا فیما ورد علینا من جنود الغافلین انّا صبرنا فی البأسآء و الضّرّآء و امرنا اهل البهآء بالصّبر الجمیل

 امّ طفل را ذکر مینمائیم و بشارت میدهیم بآنچه که در این لیله نازل شده البهآء من لدنّا علی الّذین اخذوا کأس البقآء باسمی الأبهی و شربوا منها رغماً لکلّ غافل بعید و کلّ عالم مریب

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۶ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۶:٠٠ بعد از ظهر